

کودک و جایگاه موثر او در طراحی شهردوستانار کودک

علی حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی عمران، گرایش راه و ترابری، موسسه آموزش عالی صائب، اهر، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی حیدری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۷

چکیده

کودکان امروز نسل آینده هر جامعه ای را رقم می زنند، توجه به نیازهای امروز کودکان کمک به رشد و شکوفایی نسل آینده است بر همین اساس تعامل کودک با محیط پیرامون از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که این تعامل باعث رشد جسمی و فکری کودکان می گردد. اکثر فضاها با توجه به ویژگی ها و ادراک بزرگسالان شکل گرفته اند که این فضاها نه تنها به رشد کودک کمک نمی کنند بلکه باعث پدید آمدن احساس کسالت در آنها می شود که خود زمینه بروز رفتارهای ناهنجار و کم رنگ شدن خالقیت در کودک می شود. برای نخستین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی "شهر بندیگو" در استرالیا از طرف "یونیسیف"، عنوان شهر دوستدار کودک را به خود اختصاص داد. با پررنگ تر شدن مباحث حقوق شهروندی، توجه به تمام اقشار جامعه به خصوص کودکان به عنوان یک شهروند، بیشتر مورد توجه برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است و به دنبال آن شهرهای دوستدار کودک، به منظور ایجاد محیط مناسب برای سکونت و زیست کودکان، مطرح شدند. با توجه به اهمیت کودکان و از طرفی، کم توجهی به خواست و نیاز آنها در کشور های شرقی از جمله ایران، شناخت شاخص های شهر دوستدار کودک برای دستیابی به محیط های دوستدار کودک امری ضروری و مهم می باشد. پژوهش حاضر به دنبال یافتن علت لزوم توجه به کودکان در شهر ها و جایگاه آن و شاخص های شهر دوستدار کودک می باشد. بدین منظور فرض بر این گردیده است که در برنامه های شهری معمولا، علیرغم توجیحات انسانی و اجتماعی یا اقتصادی و طبیعی برای شهر و آینده آن، به عنوان ساختار بخشی از جامعه شهری که یکی از آنها کودکان می باشند، توجه چندانی معطوف نمی گردد، بنابراین هدف از این پژوهش، طرح مسئله جایگاه کودک در شهر و بررسی شاخص های شهر دوستدار کودک می باشد. در این راستا ابتدا به مطالعه و بررسی نظریات، رویکرد ها و تجربیات جهانی شهر دوستدار کودک پرداخته و در ادامه شاخص های شهر دوستدار کودک از طریق مطالعه منابع کتابخانه ای و براساس روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر حاکی از آن است که؛ به طور کلی می توان از جمله ویژگی های شهر دوستدار کودک به دسترسی مقرون به صرفه تمام کودکان به خدمات پایه، اختیارات و توانایی های محلی، ایمنی و امنیت، آینده پایدار، توجه به کودکان کم توان، مشارکت کودکان و عدم تبعیض در کودکان اشاره کرد.

واژگان کلیدی: کودک، شهر دوستدار کودک، طراحی شهری

مقدمه

کودکان، عامل پیوند نسل‌های گذشته و آینده در هر جامعه محسوب می‌شوند. انتقال سنت‌ها، فرهنگ‌ها، اعتقادات و پیشینه‌های هویت بخش و حتی اصلاح محیط اجتماعی نیز در هر جامعه از طریق کودکان میسر است. بنابراین، نحوه رفتارهای برخاسته از خانواده و جامعه بر روی کودک به مانند نوشته‌ای است که بر سنگ نقش می‌بندد. از جهت دیگر، دوران کودکی بهترین زمینه را برای تعالی شخصیتی، تربیتی و میل بیشتر به زندگی جمعی انسان فراهم می‌کند. توجه به ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازها و سرشت فطری او، زمینه رشد درست شخصیتی و تربیتی کودک را به عنوان نسل سالم فردا مهیا می‌کند. همین عامل در تأمین سلامت اجتماعی نسل بعد و کاهش چندگانگی‌هایی که در عرصه مسائل اجتماعی رخ می‌نماید، نقش مهمی پیدا می‌کند. فضای شهری باید محلی برای آموزش و پرورش بوده و نباید صرفاً نقش ترافیکی داشته باشد. بنابراین شهر باید امنیت را برای کودکان به ارمغان آورد و برای آنها جذابیت داشته باشد. متأسفانه چون ما فکر می‌کنیم کودکان روزی بزرگ می‌شوند طراحی برای بزرگسالان را در دستور کار خود قرار داده ایم. شهری که به کودکان خود توجه نکند در اصل به نسل گذشته، موجود و آینده خود توجه نکرده است [1]. مصاحبه‌ها و بررسی‌ها نشان داده است که درک کودک از فضا با درک ما کاملاً متفاوت است، بنابراین برای دستیابی به فضاهای مناسب شهری باید کودک را با زوایای جدیدی بررسی کنیم. به کودک باید به عنوان بخشی از اجتماع نگریست. کودک از لحاظ جسمانی و فکری فردی آسیب پذیر است پس نیاز به حمایت دارد، به همین دلیل نیز سازمان ملل متحد توجه خاصی به کودکان نشان می‌دهد. مفهوم شهردوستدار کودک، در راستای نظریه‌های حقوق شهروندی برای کودکان است که از سال ۱۹۹۰ پیگیری می‌شود. طرح‌های دوستدار کودک در تلاش برای مشارکت دادن بچه‌ها در شکل دادن به محیط اطرافشان هست. اساساً شهردوستدار کودک به دنبال ضمانت تمامی حقوق این شهروندان جوان است. از جمله این حقوق تصمیم‌گیری در خصوص شهر، مشارکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی، دسترسی به خدمات اساسی (مانند سلامتی، آموزش و سرپناه، نوشیدن آب سالم)، محافظت در برابر خشونت و جنایت، امنیت در فضاهای شهری، ملاقات با دوستان و بازی کردن، و در نهایت به رسمیت شناختن کودکان به عنوان یک شهروند، با داشتن دسترسی به همه خدمات بدون توجه به نژاد، مذهب و ناتوانی‌ها است. نتایج حاصل از پژوهش‌هایی که در رابطه با طراحی شهر دوستدار کودک در کلمبیا انجام گرفته حاکی از آن است که «اگر شهر برای کودکان زیبا و راحت باشد، برای همه زیبا و راحت خواهد بود». همچنین با تقویت حضور کودکان می‌توان حضور بیشتر مادران و در نتیجه زنان را در فضاهای شهری پیش‌بینی نمود [2].

اهمیت و ضرورت تحقیق

محللات و شهرها متشکل از اقشار مختلفی هستند که مطمئناً هر کدام علاوه بر نیازهای عام انسانی نیازها خاص خود را دارا می‌باشند که پاسخگوی بسیاری از این نیازهای خاص محیط زندگی آنان است. یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه که باید توجه بیشتری به آنان شود کودکان می‌باشند که متأسفانه در شهرهای کنونی ما توجه چندانی به آن‌ها نمی‌شود و نیازهای خاص آن‌ها به هیچ عنوان در نظر گرفته نمی‌شود. تلاش برای ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازها و سرشت فطری وی در دوران کودکی به آن نیازمند است، ضروری است. نابسامان بودن فضاهای شهری و عدم انطباق آنها با نیازها و خواسته‌های کودکان، سبب تغییر در الگوهای فعالیتی آنها، روی آوردن به بازی‌های کامپیوتری، عدم استقبال از تحرک و جابه‌جایی و در نهایت بروز عارضه‌های جسمی نظیر چاقی شده است؛ لذا ساماندهی و مناسب‌سازی فضاهای شهری مطابق با نیازهای آنها در واقع بازگرداندن این گروه مهم اجتماع به زندگی اجتماعی و فعالیت دوباره است. از طرف دیگر آماده‌سازی فضای شهر برای کودکان هم مسئولیت‌های اجتماعی آنان را برای زندگی شهری بالا برده و هم باعث می‌شود که آنان در آینده بیش‌تر به محیط و فضاهای شهری احترام بگذارند و در حفظ و نگهداری آن بکوشند. لذا شناخت کودکان در روانشناسی رشد کودک، موضوع اصلی و مهم تلقی می‌شود و نقش مهمی در سلامت جامعه و نسل آینده دارند توجه به مسائل و مشکلات آنها و برطرف کردن نیازهای کمی و کیفی آنها یکی از ضرورت‌های مهم یک کشور می‌باشد [3]. در واقع آنچه ضرورت پژوهش حاضر را برجسته می‌سازد این است که از طرفی کودکان آینده‌سازان هر جامعه‌ای می‌باشند و از طرف دیگر آسیب‌پذیرتر از دیگر اقشار جامعه می‌باشند و به همین دلیل آسیب‌پذیری می‌توان بیان داشت که محیط مناسب کودک محیط مناسب کلیه افراد جامعه

نیز خواهد بود از این رو تلاش برای فراهم کردن یک محیط کودکانه (شهر دوستدار کودک) یکی از ضروریات مهم به حساب می آید. این امر مستلزم آن است که برنامه ریزان و طراحان شهری در خلق فضاهای مناسب، که امکان بروز و حضور کودکان و ایجاد شهر سالم را به وجود می آورد، بکوشند.

پیشینه تحقیق

شناخت پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص هر عنوان پژوهشی و تحلیل و ارزیابی آنها در سطوح مختلف و با معیارهای متنوع از ضروریات هر پژوهش علمی می‌باشند. بنابراین در خصوص رابطه با موضوع « کودک و جایگاه موثر او در طراحی شهردوستدار کودک» در خارج و داخل کشور مطالعاتی صورت گرفته است که هر یک از آنها به نحوه نگرش به نقش کودکان در راستای حفظ معیارهای شهر دوستدار کودک تاکید داشته‌اند که در ادامه به برخی از این آثار ارزشمند اشاره می‌گردد؛

الف: خارج کشور

جنبش محیط‌های دوستدار کودک، در سرتاسر جهان در حال توسعه بوده که منشأ آن را می‌توان از سال ۱۹۸۰ و با شکل‌گیری تحقیقاتی پیرامون این موضوع در اروپا دانست. براساس این پژوهش‌ها، حق کودکان از جامعه و محیط و توجه به خواست‌ها و نیازهای آن‌ها در اولویت قرار گرفت. کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی با توافق نمایندگان کشورهای جهان تصویب شد. در این عهدنامه، مسائل کودکان و ارائه راه‌کارهایی برای آن‌ها بررسی شد. (ریگگیو^۱، ۲۰۰۲)، در پژوهشی در رابطه با شهرهای دوستدار کودک، امکانات، بودجه و مؤسسات قانونی مورد نیاز و این که چگونه مفهوم شهر دوستدار کودک گسترش یافته نوشته است و به بررسی اساسنامه بنیادی شهرهای دوستدار کودک (C.F.C^۲) پرداخته، همچنین دلایل ایجاد شهرهای دوستدار کودک و اصول کار و نمونه‌هایی از این شهرها را توضیح داده است. این موضوع را روشن ساخته است که کمیته شهری حقوق کودک، سیستم کاری خود را بر اساس چهار اصل مهم حقوق کودک بنیان نهاده است: ۱. عدم تبعیض ۲. بیشترین علائق کودکان ۳. حقوق زندگی و توسعه حداکثری ۴. احترام به دیدگاه کودکان. (گالسون و نیل^۳، ۲۰۰۶)، اولین کتاب را در رابطه با شهر دوستدار کودک تحت عنوان «ایجاد شهر دوستدار کودک» تألیف کردند که اساسی‌ترین منبع نیز در این زمینه محسوب می‌شود. در این کتاب به بیان و معرفی شهر دوستدار کودک، شاخص‌ها و عوامل ضروری یک شهر دوستدار کودک پرداخته شده است. پژوهش‌های مختلف دیگری در ابعاد و زمینه‌های مرتبط با موضوع شهر دوستدار کودک در سطح دنیا انجام شده است، برای مثال، (هولت^۴ و همکاران، ۲۰۰۹)، پیرامون فرصت‌هایی که کودکان جهت انجام فعالیت‌های فیزیکی در سطح محلات شهری پیدا می‌کنند و منجر به افزایش سلامتی آنها می‌شود پژوهشی انجام دادند. (هامپشیر^۵ و همکاران، ۲۰۰۱)، نیز به منظور افزایش سلامتی کودکان، راهبردهایی مبتنی بر نقش درمانی عوامل منظر و چشم‌انداز محیطی ارائه کردند.

ب: داخل کشور

(آقا لطفی، ۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان مناسب‌سازی محیط برای خلاقیت کودکان به بررسی و تبیین نقش محیط در پرورش خلاقیت کودکان و عوامل محیطی مؤثر بر آن پرداخته است. در این راستا با دقت در زندگی روزانه کودک، درک او از محیط بازشناسی می‌شود، سپس با نگاهی جامع، محیط‌هایی مرتبط با کودک را مورد کنکاش قرار داده و در نهایت به ارائه راه‌کارهایی، هرچند ساده، جهت مناسب‌سازی فضاهای زندگی وی، پرداخته است. (کامل‌نیا و حقیر، ۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک در شهرستان بم پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که اینگونه می‌توان بیان داشت که؛ توجه به شاخصه‌های شهر دوستدار کودک در ارتباط با مقوله طراحی فضاهای سبز، به ویژه در پروژه‌هایی که با اهداف مشارکت کودکان و توجه به نیازها و خواست‌های آنها می‌باشد می‌تواند علاوه بر فراهم آوردن محیطی منطبق بر خواست‌های بچه‌ها، با ایجاد فرصت مشارکت به کودکان و دادن نقش اجتماعی به آنها موجب بالابردن آگاهی‌های اجتماعی و توسعه

¹ Riggio, E.

² Child Friendly City (C.F.C).

³ Greeson, B. & Sipe, N.

⁴ Holt Nicholas, L., et al.

⁵ Hampshire Kate, R., et al.

مشارکت واقعی و خلاق در جامعه باشد. (قره بیگلر، ۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان شهر و کودک و مسئولیت های شهر نسبت به محل بازی کودکان پرداخت، یافته های حاصل از پژوهش وی بیانگر آن است که؛ با ایجاد رابطه منطقی امکان نظارت بر کودکان، تماس های اجتماعی، یاد دادن و یادگرفتن، الگو برداری، تجربه و لمس واقعیت ها، آزمون و خطاها و درک محیط برای همه به ویژه کودکان راحت تر خواهد بود. (کیانی و اسماعیل زاده کواکی، ۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان تحلیل و برنامه ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان در شهرستان قوچان پرداختند نتایج تحقیق آنان بدین صورت می باشد که؛ توجه به شاخص های شهر دوستدار کودک در ارتباط با محیط های دوستدار کودک به ویژه در پروژه هایی که با اهداف مشارکت کودکان و توجه به نیاز ها و خواست های آنها همگام است می تواند علاوه بر فراهم آوردن محیطی منطبق بر خواسته های کودکان، با ایجاد فرصت مشارکت به بچه ها و تخصیص نقش اجتماعی به آنها موجب افزایش آگاهی های اجتماعی و توسعه مشارکت واقعی و خلاق در جامعه باشد. (رحیمی و شاهرخیان، ۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی فضاهای شهری دوستدار کودک و نقش آن در احیاء بافت قدیم شیراز پرداختند یافته های حاصل از پژوهش آنان نشانگر آن است که؛ متغیرهای معنادار فضاهای شهری دوست دار کودک در ارتباط با ارتقای بافت تاریخی عبارت اند از کیفیت فضاهای عمومی، میزان امنیت، متغیرهای سلامت و بهداشت عمومی، مسکن و متغیر رضایت از نحوه گذران اوقات فراغت کودکان. (رستگار و بونفانتینی، ۱۳۹۴)، در مقاله ای با عنوان تدوین راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک پرداختند و به این نتایج دست یافتند که این گونه می توان بیان داشت؛ مکان دوستدار کودک زمینه ایی فراهم می کند که کودکان در عین احساس امنیت، به چالش کشیده شوند، در عین محصور بودن در فضایی خصوصی، در بطن جامعه و اجتماع نیز حضور داشته باشند و در عین برآورده شدن نیازهای فعلی، در راستای تأمین نیازهای آتی آنها نیز باشد اولین اصل در تدوین راهنما توجه به ابعاد مربوط به طراحی شهری است که عبارت اند از: نظام کاربری زمین؛ نظام حرکت و دسترسی؛ نظام فرم کالبدی؛ نظام منظر شهری؛ نظام استخوان بندی فضاهای همگانی.

مروری بر ادبیات تحقیق

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی تحقیق پرداخته شود، از جمله؛

کودک^۶

در ابتدای امر برای شناخت صحیح موضوع، لازم است به تعریف دقیق کودک پرداخت تا موضوع از وضوح بیشتری بر خوردار شود. در تعریف کودک چنین آمده است که؛ کودک، شهروند نابالغی است که دوران رشد خود را می گذراند و استمرار بخش حیات بشر محسوب می شود. موجودی است که پاک بدنی می آید و چنانچه محیط برای رشد فکری و جسمی سال او مهیا باشد، نهالی تنومند می شود که به بار می نشیند و اگر محیط چنین دستاوردی را برای او فراهم نکند، جز خذلان چیزی را در پی نخواهد آورد. در فرهنگ فارسی معین، کودک به معنای کوچک، صغیر و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده است می باشد. در فرهنگ غرب نیز از کودک به عنوان شخصی که میان تولد و بلوغ قرار دارد یاد شده است. در جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی اطلاق می شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. از طرف دیگر طبق تعریف در ماده یک کنوانسیون حقوق کودکان و همین طور در ماده یک قانون حمایت از حقوق کودکان افراد انسانی زیر ۱۸ سال به عنوان کودک معرفی شده اند [4].

جدول (۱): گروه بندی سنی کودک.

عنوان	گروه سنی
نوزاد	۰-۲ سال
پیش دبستانی	۲-۵ سال
دبستانی	۵-۱۱ سال

نوجوان	۱۱-۱۴ سال
نوجوان	۱۴-۱۸ سال

کودک و شهرسازی^۷

در دهه اخیر شاهد آن هستیم که تغییر نگران کننده ایی در عادات روزمره کودکان به وجود آمده است؛ کودکان کمتر در بازی و فعالیت های آزاد در فضاهای باز یا فضاهای عمومی شهری شرکت می کنند و اکثر اوقات خود را در خانه، کلاس های فوق برنامه و تحت نظارت مستقیم والدین سپری می کنند این تحولات باعث پدید آمدن رویکرد جدیدی تحت عنوان «دوران کودکی مدرن» شده است. همین امر موجب جدایی و محرومیت کودکان از فضاهای عمومی شده است. کودکان نیازمند محیط هایی هستند که آنان را مخاطب قرار دهد، به چالش وادارد و آنان را جلب کند لذا از این منظر می باید در شهرسازی و مدیریت شهری به کودکان و حقوق آنان توجه نمود. بررسی نیاز های کودکان در شهر، نیازمند آشنایی با روان شناختی کودک و آشنایی با فیزیولوژیک و شرایط بدین آن هاست. فضاهای شهری تاثیر مستقیم و قاطع روی کودکان دارد، بر گزینه های رفتاری تاثیر می گذارد و حواس وی را به کار می گیرد [5]. بنابراین کودکان به شهری نیازمند هستند که در آن آرامش باشد و به ورزش، بازی، تفریح و آموزش بپردازند. فلذا فضاهای عمومی شهری باید پاسخگوی نیاز های کودکان باشد و همچنین علاوه بر محیطی منطبق بر خواسته های کودکان، با ایجاد فرصت مشارکت و دادن نقش اجتماعی به آن ها موجب بالا بردن آگاهی های اجتماعی و توسعه مشارکت واقعی و خلاقانه آنان در شهر های دوستدار کودک باشد. توجه به طراحی فضاهای شهری، علی الخصوص در پروژه هایی تحت عنوان شهر دوستدار کودک با توجه به نیاز ها و خواسته های آنان می باشد در عین حال بهترین تضمین برای در نظر گرفتن همه این مسائل استفاده از نظرات خود کودکان است. مهمترین اقدامات در زمینه «شهر دوستدار کودک در ایران» را می توان در شهر بهم دانست. عمده اهداف در نظر گرفته شده برای این طرح عبارت بود از:

۱. «تقویت مشارکت کودکان»: باید به بچه ها فرصت داد تا درباره محیط پیرامونشان تصمیم گیری نمایند. این موضوع نباید بعد از اینکه تصمیم گرفته شد صورت بگیرد بلکه باید در حین تصمیم گیری بچه ها را دخالت داد.
۲. «بالا بردن آگاهی اجتماعی»: برای تقویت احترام به حقوق بچه ها باید جامعه را آگاه کرد. تمام سطوح مختلف اجتماع بایستی نسبت به این موضوع آگاهی یابد.
۳. «توجه به نیازهای بومی»: در این طرح ها باید به نیازهای خاص بچه ها، خانواده ها و اجتماع توجه کرد.
۴. «توسعه استراتژی های شهری برای بچه ها»: دولت و بخش های قانون گذار باید به نیازهای شهری بچه ها مانند تأمین ایمنی، و دوری از خشونت توجه خاصی داشته باشد.
۵. «بودجه های سازمانی بچه ها»: دخیل کردن افراد و نهادهایی که می توانند در تأمین بودجه طرح ها را یاری برسانند.
۶. «تقویت مشارکت»: بالابردن انگیزه های تمامی گروه های ذینفع در بالا بردن و تقویت مشارکت همه.
۷. «ظرفیت سازی»: بالا بردن امکانات و توانایی ها و توسعه بالقوه ظرفیت ها برای نسل های آتی بالابردن دانش و آگاهی، کمک به معنادار نمودن روش های مشارکت [5].

شهر دوستدار کودک^۸

امروزه بزرگسالان آگاهانه یا ناآگاهانه شهر را عرصه ای برای برآوردن نیازهای روزمره خود ساخته اند و این درحالی است که کودکان جایگاه مناسبی را در شهر امروزی ندارند. محیطی که کودک در آن رشد می کند مجموعه ای از ساخت ها و شکل های مختلفی از کارها و عملکردهای بزرگترهاست و بزرگسالان به این نکته توجه ندارند که محیط مورد نظر کودک متفاوت از محیط مورد نظر بزرگترهاست. این بزرگترها هستند که برای کودکان تصمیم می گیرند که چه چیزی بر آن ها خوب است، چه مکان هایی برای آن ها مناسب است، آن ها چه کارهایی انجام دهند یا حتی چگونه از مکان ها لذت ببرند و این ها همه می تواند بیانگر تفاوت

8 Child and Urbanism

8 Child Friendly City (C.F.C).

بین شهر دوستدار کودک با شهر مورد نظر بزرگترها باشد. یونیسف که به عنوان یک مرجع بر اجرای طرح شهر دوستدار کودک سراسر جهان در راستای نیازهای کودکان نظارت می‌کند عمده‌ترین وظیفه‌اش ارتقا و حفاظت از حقوق کودکان است شهر دوستدار کودک شهری است که در آن خواسته‌های کودک در اولویت قرار گرفته و شرایط اجتماعی، فرهنگی و معماری شهر همسو با نیاز آن‌هاست و حقوق کودکان در سیاست‌ها، قوانین، برنامه‌ها و بودجه‌ها منعکس می‌شود [6]. و درصدد افزایش مشارکت کودکان، افزایش اثر کودکان در تصمیم‌گیریها و ایجاد حقوق مناسب برای آنهاست از که سال‌های ۱۹۸۰ میلادی به بعد به ویژه در اروپا مورد توجه قرار گرفت. از جمله ویژگی‌های آن عبارتند از: آسایش، ایمنی و امنیت؛ پیوند با طبیعت؛ پیوند با تاریخ و فرهنگ و هویت جمعی؛ جذابیت و تازگی؛ دسترسی به امکانات؛ وجود مؤسسات و فضاهای مربوط به کودک؛ توجه به کودکان معلول. درخواست برای ایجاد شهر دوستدار کودک ریشه در شناخت این موضوع دارد که شهرها، خانه‌هایی برای افزایش حمایت از حقوق کودکان هستند با این وجود بسیاری از شهرهایی که ایده آل بچه‌ها نیستند، دولت‌هایی را دارند که اقدامات اندکی در این جهت انجام می‌دهند. چرا که حکمرانی خوب مستلزم توجه به بچه‌ها در توسعه شهری و دادن فرصت به آنها و شرکت آنها در فرآیند تصمیم‌گیری است. ایجاد محیط‌های دوستدار کودک می‌تواند ضمن در برداشتن مزایای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان یک سیاست، در خدمت جامعه و سرمایه‌گذاری بلند مدت باشد. از جمله معیارهای شهر دوستدار کودک عبارتند از:

(۱) بیان نظرات کودکان در مورد شهری که می‌خواهند. (۲) مشارکت در خانواده، جامعه، برنامه‌های فرهنگی و زندگی اجتماعی (۳) دسترسی به آب سالم، امکانات بهداشتی و سرویس‌های خدماتی (۴) محافظت در برابر خشونت و سوء استفاده (۵) راه رفتن در خیابان به طور مستقل و با احساس امنیت (۶) ملاقات با دوستان و بازی کردن با آن (۷) زندگی در محیطی به دور از آلودگی و داشتن فضای سبز مناسب و کافی (۸) به رسمیت شناختن کودکان به عنوان یک شهروند مساوی با دسترسی به همه خدمات بدون توجه به نژاد و مذهب و ناتوانی‌ها. ایجاد محیط‌های شهری که واقعاً از جامعه کودکان حمایت کنند مستلزم بررسی و مطالعه دامنه گسترده‌ای از موضوعات در سطوح محلی، ملی و جهانی است. شهر را نباید فقط محل سکونت دسته‌ای از افراد و مرکز قردادها دانست، بلکه آن متشکل از روحیات، افکار، آداب و رسوم، معتقدات و احساسات خاص همه افراد است [7].

شاخصها (مؤلفه های ابعاد کلیدی)	جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)	سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)
الف) در دسترس بودن طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های دوستدار کودک ب) دسترسی مستقل به طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های دوستدار کودک ۲الف) توانای مشارکت در فرایندهای مشارکتی جامعه	۱) فراهم کردن دسترسی مستقل کودکان به طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های اجتماعی مناسب کودکان در تمامی سنین، توانا بیها و پیشینه فرهنگی. ۲) ایجاد ظرفیتی برای کودکان جهت سالم بودن و دستیابی به مهارت از طریق مشارکت	فعالیت داشتن فعالیت با داشتن توان انجام مستقل کارمنجر به کنترل و توانایی سالم بودن و انجام مستقل کار در زندگی روزمره می‌شود.
منابع اطلاعاتی موثق	اقدامات پیشنهادی	
طرحها و نقشه‌های اصلی • مسیرهای اتوبوس • مسیرهای دوچرخه سواری • گزارشات کودکان و نوجوانان	محاسبه فاصله تا مقصد از مدرسه و خانه محاسبه میانگین زمان تا مقصد از مدرسه و خانه تعداد و روشهای که کودکان می‌توانند هر یک از امکانات و خدمات دسترسی داشته باشند (مانند پیاده روی، دوچرخه سواری یا حمل و نقل عمومی)	
شاخصها (مؤلفه های ابعاد کلیدی)	جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)	سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)

<p>۳ الف) حمایت‌های بدنی برای امنیت کودکان ب) ۳) راهکارهایی برای حفظ کودکان از خطرات بدنی ۴ الف) وجود ویژگی‌هایی که احساس هویت اجتماعی را برانگیزد</p>	<p>۳) امن تر کردن اماکن عمومی جامعه برای کودکان. ۴) افزایش توانای کودکان در احساس امنیت و ارتباط با جامعه خود</p>	<p>ایمنی و امنیت داشتن احساس ایمنی و امنیت برای مشارکت کامل در زندگی و انجام چیزهایی که هر کس باید انجام دهد.</p>
<p>منابع اطلاعاتی موثق</p>	<p>اقدامات پیشنهادی</p>	
<p>مدیریت محیط (پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط) رهنمون‌های طراحی خیابان آمار جرم و جنایت مشورت با کودکان و نوجوانان</p>	<p>راهکارهای جامعه برای تضمین ایمنی کودکان و نوجوانان • تعداد و نوع کارکردها • قابلیت نظارت منفعل بزرگسالان در اماکن عمومی • نصب حصار، میزان سایه • تهیه طرح برای ایمنی کودک در جامعه</p>	
<p>شاخصها (مؤلفه های ابعاد کلیدی)</p>	<p>جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)</p>	<p>سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)</p>
<p>۵ الف) وجود امکاناتی که احساس خوشحالی و حمایت می‌دهند ۵ب) در دسترس بودن فضاهای بازی خلاق و فعال ۶ در الف) دسترس بودن فضاهای سبز و مناطق طبیعی ۶ ب) دسترسی به طیف وسیعی از فضاهای باز سبز و مناطق طبیعی</p>	<p>۵) ایجاد فضاهای که در آنها کودکان می‌توانند شادی، نشاط و موفقیت را تجربه کنند. ۶) افزایش موقعیت‌هایی برای کودکان برای دسترسی به فضای باز و سبز</p>	<p>احساس مثبت از خود داشتن احساس مثبت از خود، احساس اینکه شما فرد خوبی هستید و توسط افراد اطراف خود شناخته شده هستید</p>
<p>منابع اطلاعاتی موثق</p>	<p>اقدامات پیشنهادی</p>	
<p>• بازسازی و راهکارهای فضای باز و طرح مدیریت • اطلاعات حمل و نقل • طرح و نقشه</p>	<p>• دسترسی به پیاده رو و دوچرخه سواری • نزدیک بودن به راهها، خانه ها و توسعه شهری • دسترسی به حمل و نقل عمومی</p>	

برای نخستین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی "شهر بندیگو"^۹ در استرالیا از طرف یونیسیف عنوان (شهر دوستدار کودک) را به خود اختصاص داد "شهر اوز" در استان فارس نیز برای نخستین بار در ایران به عنوان شهر دوستدار کودک در سال ۱۳۸۹ انتخاب شد. ساخت شهر دوستدار کودک تنها در قالب یک نظریه مطرح نیست بلکه فرآیند به کارگیری برنامه‌ها با کودکان و زندگی آن‌هاست. که می‌تواند تبدیل به یک واقعیت شود و شانس مشارکت کودکان در فعالیت‌ها و برنامه‌ها را افزایش دهد و احساس خوبی در آن‌ها نسبت به خود و جامعه ایجاد کند. ایجاد فرصت‌های مشارکتی برابر برای کودکان به آن‌ها یاد می‌دهد که چگونه از حقوقشان آگاهی پیدا کنند و نسبت به آن حساسیت نشان دهند در تحقیقاتی از این دست، مدارس همواره نقش تعیین کننده ای در ایجاد زمینه های مناسب مشارکتی کودکان دارند. به عنوان یکی از فضاهای عمومی شهر برای کودک در کنار سایر فضاها

^۹ Bendigo

مثل خیابان‌ها و معابر عمومی، پارک‌ها، سینماها، کتابخانه‌ها و فضاهای ورزشی و... مطرح است؛ بنابراین میزان سازگاری فضای شهر با شرایط کوچکترین افراد جامعه باید مناسب باشد. و کودک در این فضاها احساس راحتی می‌کند [8].

مفهوم مکان و ارتباط آن با رشد کودک

مطالعات و تحقیقات متفاوت صورت گرفته در مورد بحث مکان از دیدگاه‌های متعدد، همگی در یک نکته اتفاق نظر دارند که تفسیر معنای مکان، شامل تعامل پیچیده بین پاسخ‌های ادراکی، شناختی و عاطفی به محیط است و عوامل برخاسته از زمینه در این خصوص نقش بارزی دارند؛ چراکه درک انسان از مکان وابسته به فیزیک فضا و همچنین تجربه وی از آن است. از آنجا که یکی از مؤلفه‌های سازنده مکان، زمان و تجربه انسان در فضا است که دائماً در حال نو شدن است، مکان، ماهیت سیال، جاری و غیر ثابت پیدا می‌کند و ترکیب «فضا» و «ادراک انسان از فضا» ماهیت مکان را می‌سازد. از بعد روانشناختی، درک معنا به واسطه شناخت غیرمستقیم حرکت در خارج از جریان وقایع ادراک کنش صورت می‌گیرد؛ به عبارتی، وقتی فردی در ارتباط مستقیم با موضوعی قرار گیرد، آگاهی و شناخت کامل صورت نمی‌پذیرد [9]. بنابراین کودکان نیز تنها به واسطه بازتاب محیط در تجاربشان، معنا و ارزش ارتباط با مکان را خواهند آموخت، زیرا آگاهی در حین تجربه مستقیم به کمترین حد خود می‌رسد تا حدی که مواجهه با جهان، تقریباً ناخودآگاه و عادی به نظر می‌رسد و مرز تجربه بین خود و جهان مورد اغفال واقع می‌شود. شناخت غیر مستقیم، این امکان را برای کودکان فراهم می‌کند تا تجربه مکان را در ذهن خود منعکس سازند و ماهیت ارتباط خود را با مکان به واسطه تجربه، تعیین نمایند [10]. نکته حائز اهمیت در رشد ادراکی کودک این است که این رشد، تقابلی از کنش و ادراک محسوب می‌شود و به صورت چرخه‌ای همدیگر را پشتیبانی می‌کنند. با این دیدگاه، تعامل دیاکتیکی ارتباط کودک با مکان مورد تأیید است. مکان، دارای ارتباط واسطه یا دوسویه با کودک در ارتباط با رفتار یا تکالیف وی است. کودک برای ارضای برخی خواست‌ها و نیازهایش با مکان تعامل می‌کند. برای اینکه کودک، مکان خاصی را به لحاظ ارزشی به دیگر مکان‌ها ترجیح بدهد، این مکان باید خواست‌ها و نیازهای او را ارضا کند و بین کنش و ویژگی‌های محیطی مربوطه تناسب ایجاد شود. در این حالت کودک برای ارضای نیازهای خود، با محیط تعامل می‌کند. همچنین زمانی که زمینه اجتماعی اکولوژیکی برای تحقق این قابلیت تقویت می‌شود، کودکان ممکن است نسبت به مکان، احساس عاطفی شدیدی نشان دهند. موضوع مهم برای مفهوم سازی تعامل با مکان در دوران کودکی این است که کودکان با مکان‌هایی روابط عاطفی مطلوبی ایجاد می‌کنند که خواست‌ها و نیازهای آنها را در فرایند رشدشان برآورده کند. «مکان دوستی»، پیوندی پرمحبت و تأثیرگذار میان مردم به ویژه کودکان و مکان‌ها است. مکان دوستی، به صورت‌های متفاوتی ابراز می‌شود که می‌تواند زیبایی شناختی، حسی یا عاطفی باشد و حس مکان، شامل واکنش عاطفی یا بیولوژیکی به محیط کالبدی و فرهنگی است [11].

مکان، «دوستدار» کودک و کودک، «دوستدار» مکان

«مکان دوستی»^{۱۰} مفهومی است که در آن دو مفهوم کودک و مکان از دو جنبه کاربردی و پدیدارشناسی مورد تأمل قرار می‌گیرد. از لحاظ کاربردی، محیط «دوستدار کودک» به کودک امکان می‌دهد تا ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مکان را محقق سازد و از جنبه پدیدارشناسی این تعاملات به واسطه کاربرد روزانه به کودک امکان می‌دهد تا احساسات و عواطفش را در مورد مکان بسط دهد و نقش جدیدی برای مکان و خود، به واسطه کاربرد مکرر و تحقق قابلیت‌های مکان تصور نماید. هر «مکان دوستدار کودک» محیطی است که کشف و تحقق یابی قابلیت مکان‌ها را برای انواع فعالیت و تعاملات اجتماعی کودک مقدور سازد و زمینه ساز ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری از محیط، شکل دادن به ویژگی‌های فیزیکی مکان به واسطه تقویت مشارکت کودکان گردد [12]. به کودک، امکان خلق و کنترل قلمروهایی را دهد و اسرار و رازهای کودکان را در این مکان‌ها در خود حفظ کند. «مکان دوستدار کودک» باعث ایجاد حس مفید و مؤثر بودن از بعد روانشناختی و از بعد رفتاری در کودکان می‌گردد. این چنین مکان‌هایی با برخورداری از برخی قابلیت‌ها باعث می‌شوند که کودکان به راحتی قادر به کسب تجارب متنوع و معنادار در فرایند بلوغ فردی و اجتماعی خود باشند. «مکان دوستدار کودک» زمینه‌ای فراهم می‌کند که کودکان در عین احساس امنیت،

¹⁰ Location Friendship

به چالش کشیده شوند [13]. همچنین در عین محصور بودن در فضایی خصوصی، در بطن جامعه و اجتماع نیز حضور داشته باشند و در عین برآورده شدن نیازهای فعلی، در جهت تأمین نیازهای آتی آنها نیز باشد. کشش به سمت مکان، کودکان را به کشف آن مکان وسوسه می کند. با این فرآیند، کودکان قادر به توسعه اطلاعات و استعدادهایشان خواهند بود. لذا رفتارهای اجتماعی، خلاقانه و هدفمند کودکان که با برخی قابلیت های مشخص مکان ها پیوند می یابد، باعث برانگیخته شدن شور و شعفی در کودک برای تبدیل «فضا» به «مکان» توأم با ارزش و معنا می شود. در این فرآیند، یافته های محیطی حاصل به بیشتر نیازهای مکان دوستی کودکان پاسخ می دهد. از بعد فرهنگی، خلق معنای تعامل کودک با مکان صرفاً در مشابهنه های ادراکی، فیزیکی یا اجتماعی مکان ها نیست، بلکه در حالت ایده آل مبتنی بر تجربه کودک و تصورات و طرح واره های مشترک کودک از لحاظ فرهنگی با مکان است [14]. اینکه کودکان با برخی محیط ها قرین و عجین هستند، اشاره به برخی قابلیت های ذاتی محیط ها دارند که به ارضای برخی نیازها و خواست های اصلی کودکان نیز منجر می شود. معنای هویت نیز زاینده هزاران واکنش شخصی در مقابل هزاران نوع از جنبه های نفوذی محیط است. هنگامی که خواسته ها، تمایلات و محرک های کودک با قوای محیطی اش ارتباط پیدا می کند، هویت وی به منصفه ظهور می رسد. لذا معنای هویت را نیز می توان شائبه ای از عرصه های پرورشی دانست. هر چند مکان های دوستدار کودک ضرورتی مطلق برای رشد کودکان ما نیستند، ولی به عنوان مزیت اصلی منجر به سلامتی فیزیکی و روانی آنها می شود. شاید به این دلیل است که یکی از مؤلفه های توسعه پایدار را نیز کسب تجارب زندگی توسط خود کودکان از طریق مشارکت فعال آنها در محیط می دانند. این مشارکت با علم به حساسیت منحصر به فرد محیطی کودکان بر مبنای درک و ارزیابی کودکان در محیط پیرامون - اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و روانشناختی - است. از جمله حقوق کودکان، حفظ بهترین منافع آنها در تمامی جوانب حیات است و مکان دوستدار کودک این حق را در آنها ارتقا می بخشد [15].

کودک، مشارکت و طراحی شهر

در اکثر جوامع عموماً قشر کودک به عنوان افراد متخصص هر فرهنگ و جامعه ای و منبعی قابل اعتماد برای حل مسایل محیطی، مورد کم توجهی و بی مهری قرار می گیرند. از آنجایی که درک کودکان از جهان کاملاً متفاوت با بزرگسالان است، لذا مشارکت آنها در طراحی، ارزیابی و تکمیل طرح ها بسیار پراهمیت است. استفاده از قابلیت های مفهومی و تکنیکی کودکان در طراحی و برنامه ریزی فضاهای مورد نیازشان، همچنین برنامه ریزی و طراحی فضاهای عمومی، پدیده ای است که میتوان آن را با موضوع برخورد دموکراتیک در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای حرکت به سمت برابری حقوق اجتماعی و فرهنگی در سلسله مراتب اجتماعی جوامع مدرن پیوند داد. فهم نقطه نظر کودکان به عنوان ابزاری برای معنا دادن به «محیط دوستدار کودک» از مفاهیم پیچیده و بغرنج زمان حال است که با هدف بهبود کیفی محیط مصنوع از طریق فهم ارزش ها و خواست های کودکان (و نه صرفاً دخالت ظاهری در آنها) نیازمند تحقیقاتی در مورد نحوه درک صحیح این تعامل و تسهیل مشارکت آنان است [16]. نکته مهم، در نظر گرفتن تک تک کودکان به عنوان یک شخصیت منحصر به فرد و نه به عنوان یک بزرگسال رشد نیافته است. تحقیقات صورت پذیرفته در خصوص مشارکت کودکان، فرآیندی سه مرحله ای را پیشنهاد می نماید:

۱. «سطح ساختاری»: این سطح به حقوق و موقعیت کودکان در جامعه و حمایت های قانونی از آنها و نیز به وظیفه مسئولین در قبال کودکان به عنوان شهروندان جامعه می پردازد. مشاوره مسئولین و متولیان امر با کودکان خصیصه اصلی این سطح است.
۲. «سطح شخصی»: در این سطح هر کودک به عنوان یک شخص حقیقی با علایق و عقاید مشخص و ناظر زیرک محیط اطرافش مطرح است که اگر آزادی عمل داشته باشد، محققى نکته سنج و متفکری ماهر با فطرتی پاک است. بحث اصلی این سطح، زندگی زمان حال کودک است، نه زندگی آینده وی در دوران بزرگسالی است.
۳. «سطح شخصی-ارتباطی»: در این سطح، واقعیت های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی محیط های متفاوت زندگی کودکان مورد بحث است [17].

اهمیت و روش های مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری

بحث دخیل کردن کودکان در فرآیند طراحی فضای شهری برای اولین بار به دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی گردد. آغازگر این مباحث «کوین لینچ»^{۱۱} بود که نظریات خود را در باب برداشت الگوهای رفتاری کودکان نسبت به فضای شهری در یونیسیف مطرح کرد. پروژه «رشد یافتن در شهرها» که توسط یونسکو بنیان گذاشته شده و توسط «لینچ» سرپرستی می شد، شامل پژوهش در چهار کشور بود. به عقیده لینچ کودکان بیش از آن که در مدرسه بیاموزند در بیرون از مدرسه و در جامعه می آموزند. از دید او، این نوع آموزش در شهرهای ما در حال گم شدن است. در سال ۱۹۹۴ روانشناس محیطی، «لوتیس چوال»^{۱۲}، به منظور دستیابی به اهداف برآورده نشده خود، به فکر استفاده دوباره از کار پژوهشی لینچ افتاد. اهداف او، توسعه طراحی شهری از طریق پروژه های مشارکتی با کودکان، برای آشنا کردن سیاست ملی و محلی به لزوم توجه به نیازهای کودکان در شهرها بود [18]. لذا بار دیگر در ماه می ۲۰۰۲، با حمایت اولیه سازمان یونسکو، پروژه «رشد یافتن در شهرها»، احیاشده و به مطالعه کیفیات شهری و اولویت های کودکان برای تغییر، در بیش از دوازده کشور پرداخت. از این زمان به بعد، ویژگی کلیدی تلاش های صورت گرفته سعی برای تمرکز فعالیت تحقیقات بر ایجاد شبکه های اجتماعی مشارکتی و ائتلاف سیاسی برای در کانون توجه قرار دادن نیازهای کودکان بود. یکی از مهمترین جنبه های «رشد یافتن در شهرها» آن است که این پروژه پژوهشی مستقل بوده و به عنوان بخشی از مطالعات تخصصی مرتبط با برنامه ریزی شهرهای دوستدار کودک به شمار نمی رود [19]. «دیوید دریسکل» در توصیف ویژگی های شهر به عنوان محل خوبی برای کودکان، فهرستی از شاخص های یک مکان خوب بر مبنای ارزیابی کودکان از جوامع محلی خود ارائه می دهد که همبستگی اجتماعی، تنوع مکان های پرجاذبه برای فعالیت، امنیت و آزادی تحرک، مکان های ملاقات افراد هم سن و سال، هویت اجتماعی منسجم و محدوده های سبز از جمله این شاخص های فضایی هستند. «ادموند بیکن» ایده «محیط نهی کننده» را در تقابل با «محیط تسهیل کننده» ارائه کرد و نشان داد که تعادل بین این دو چگونه ممکن است در واکنش فرد در برابر نقاط عطف مختلف در زندگی او تأثیر گذارد. به بیان ساده تر، اگر در محیط کودک، عناصر نهی کننده بیش از حد باشد، ممکن است سیر رشد او را تحت تأثیر قرار دهد. و عناصر «محیط نهی کننده» و «محیط تسهیل کننده» در دوران بلوغ و بزرگسالی هم همچنان حاکم بر زندگی فرد خواهند بود. از نظر «جین جیکوبز»^{۱۳} امنیت به ویژه برای زنان و کودکان از «حضور نگاه ها در خیابان» منتج می شود. نوعی نظارت فعال واحدهای همسایگی در فضای جمعی که تجربه طراحی مدرن در شیوه لوکوربوزیه^{۱۴}، با اصرار بر توسعه بلوک های بزرگ و آسمان خراش ها، آن را به مرز نابودی کشانده است. به بیان وی، ویژگی زیربنایی هر محله شهری موفق آن است که فرد در میان همه این غریبه ها احساس امنیت کند. جیکوبز بر این باور است که در اجتماع شهری و در پیوند بین خانه و مدرسه، مهمترین علائق کودکان به ایمنی خیابان، تنوع کاربری های زمین، شادابی و سرزندگی شهر بازمی گردد که کلید اصلی رفع نگرانی های اساسی تمام جمعیت و از جمله کودکان است [20]. آزادی کودکان به منظور کشف و بازدید و ارضای حس کنجکاوی در مورد فضای شهری، به صورت انفرادی یا جمعی، تا اندازه قابل توجهی به امن بودن خیابان و اماکن عمومی بستگی دارد. خیابان های نامأنوس و محصور در رفت و آمد سواره، از دسترسی کودکان به دنیا جلوگیری می کنند. «برندان گلیسون»^{۱۵} و «نیل سایپ»^{۱۶} در کتاب خود، «خلق شهرهای دوستدار کودک»، به بیان مباحثی در زمینه کودکان در محیط شهری، برنامه ریزی برای شهر بهتر با کودکان و نوجوانان و توجه دوباره به کودکان در شهرها پرداخته اند. در این کتاب آمده است: "به صرفه تر آن است که کودکان را در طراحی دخیل کنیم. کودکان عموماً در جوامعی که تحت سلطه بزرگسالان است، سرکوب می شوند". بنابراین همکاری کودکان در طراحی و سعی در مشارکت فعال کودکان در مسائلی که به آنها مربوط است و گوش دادن به دیدگاه های آنها و استفاده از نظراتشان در فرآیند تصمیم گیری یکی از دیدگاه های اصلی شهر دوستدار کودک ذکر شده است همچنین، «آرزا چرچمن»^{۱۷} و «رابرت ب. بچتل» در کتاب خود، «کتاب

¹¹ Kevin A. Lynch

¹² Louis Chawal

¹³ Jane Jacobs

¹⁴ Le Corbusier

¹⁵ Brendan Gleeson.

¹⁶ Neil Saip.

¹⁷ Arza Churchman.

مرجع روانشناسی محیطی»، در این رابطه به نکاتی از جمله برنامه ریزی های معمارانه مبتنی بر الگوهای رفتاری، محیط کودکان، روششناسی طراحی مشارکتی و مشارکت پایدار اشاره کرده اند [21]. «باری پرسی-اسمیت^{۱۸}» و «نایجل توماس^{۱۹}» در «کتاب مرجع مشارکت کودکان و نوجوانان»، به شش گام کاربردی برای افزایش میزان مشارکت کودکان و نوجوانان در آینده شامل؛ حمایت از ایجاد مشارکت ریشه ای، فراتر بردن تعبیر مشارکت از مفهوم «فقط یک گفته» در تصمیم سازی ها، ایجاد ظرفیت برای مشارکت از طریق افراد و جوامع به عنوان شهروندان فعال، مبارزه با تبعیض بزرگسالان و شکل گیری نامطلوب دوران کودکی، تمرکز بر نقش بزرگسالان و کیفیت روابط بین کودکان و بزرگسالان، اجرای یک چارچوب حقوق شهروندی و دخیل کردن کودکان اشاره کرده اند. «الیسون کلارک^{۲۰}» به توصیف روش هایی برای به حداکثر رساندن تعاملات با کودکان برای دریافت دیدگاه های آنان درباره معماری و طراحی جزء فضاهای فضای شهری پرداخته است. تاکید او بر استفاده از روش های ترکیبی شامل ابزار سنتی مشاهده و مصاحبه و نیز استفاده از روش های مشارکتی با کودکان است. در ارتباط با نمونه های بارز فعالیت در زمینه طراحی فضاهای شهری در تعامل با کودکان در ایران می توان به مصوبه جلسه ۱۹۱ شورای اسلامی شهر تهران در سال ۱۳۸۸ تحت عنوان «شهر دوستدار کودک» اشاره نمود. بر اساس این مصوبه شهرداری تهران موظف است در جهت تحقق پروژه مزبور علاوه بر ارتقاء شرایط زیست محیطی عمومی، به فعالیت هایی چون؛ ساماندهی فضاهای عمومی و استانداردسازی میلمان شهری به ویژه وسایل خاص کودکان، ایمن سازی پیاده رویهای شهری برای کودکان، اجرای پروژه های فرهنگی-اجتماعی از جمله ایجاد سرای کودک، اجرای پروژه های شهرسازی و معماری جهت تأمین فضای بازی برای کودکان در مجتمع های مسکونی، ایجاد انگیزه جهت مشارکت های اجتماعی و مردمی جهت حمایت از کودکان بپردازد [22].

شاخص های انتخابی جهت شهر دوستدار کودک

- اتحادیه ی تحقیقات استرالیا در مطالعاتی در حوزه ی کودکان و نوجوانان در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان چه چیزهایی جوامع دوستدار کودک را شامل می شود، هشت شاخص عمده را اینگونه قلمداد می نماید که در ذیل به آن اشاره می گردد؛
۱. خوشامدگویی و ارتباط، یادگیری چگونه گوش دادن، طراحی کردن، نقشه کشیدن، برنامه ریزی و شرکت در فعالیت با کودکان محلی.
 ۲. ارزش شناسایی کودکان محلی و خانواده هایشان به عنوان شرکا و همکاران ارزشمند در زندگی اجتماعی.
 ۳. امنیت و ایمنی، تدارک مکان های امن برای بازی نزدیک خانه.
 ۴. فعالیت های معنی دار و خودرایی، تهیه ی چشم انداز یک جامعه ی مرتبط و وابسته به هم و تصور فعالیت هایی که یک جامعه ی دوستدار کودک را عملی می کند.
 ۵. فضا، طراحی فضاهای خالق برای کودکان و همراه آنان به شکلی که مردم عادی نیز دلیل آمدن به آن فضاها را داشته باشند.
 ۶. یادگیری و توسعه، یادگیری و توسعه در مکان های روزمره و به شیوه های گوناگون اتفاق می افتد. مهم چگونگی استفاده از این مکان ها و ثبت فرآیند ها و خروجی های کودکان در استفاده از این فضاهاست [23].
 ۷. حمایت، تأمین تسهیلات و خدمات برای خانواده ها.
 ۸. زمان، صرف زمان برای کار با کودکان، به منظور دریافت ایده های آنان و فراهم نمودن امکان مشارکتشان، طبق گزارش این مؤسسه، فضاهای بازی کودک باید دامنه ی گسترده ایی از فعالیت ها و فرصت ها را برای کودکان به منظور تعامل متقابل با دیگر کودکان، دیگر اعضای خانواده و همچنین تجهیزات و تسهیلات، درخت، گل و حتی فضاهایی برای حیوانات، تدارک دیده باشد.

¹⁸ Barry Percy. Smith.

¹⁹ Nigel Thomas.

²⁰ Alison Clarke .

اساسنامه شهرهای دوستدار کودک (CFC)

در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، دبیرخانه جهانی شهرهای دوستدار کودکان (CFC) ایجاد شد، تا این حمایت را انجام دهد و نیز مرجعی برای این کار باشد. سازمان CFC اصول کلی را درباره حمایت از رشد شهرهای مطلوب کودکان و رشد همکاری های دیگر، آماده کرد. قبل از ۲۰۰۰ این شبکه، فرم خاص و هیچ تشکیلات پاسخگو برای ضروریات و کمبودها تا آن زمان نداشت. چنان که اساسنامه CFC در ۲۰۰۰ به این شرح است:

الف: تحقیقات میدانی و نوآوری توسط دولت محلی در جهت احقاق حقوق کودکان. ب: گسترش یک شبکه بر اساس اطلاعات کودکان در جهت ایجاد شهر ایدهآل برای آنها. ج: حمایت از گسترش نشریات و ترویج و توسعه شهرهای دوستدار کودک در مراکز محلی و جهانی بر اساس معیارها و اساسنامه سازمان ملل متحد جهت توسعه شهرهای دوستدار کودکان جهان [24].

دلایل ایجاد شهرهای دوستدار کودک

درخواست برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک، ریشه در شناخت این موضوع دارد که شهرها، خانه هایی برای افزایش حمایت از حقوق کودکان هستند. با این وجود بسیاری از شهرهایی که ایده آل بچه ها نیستند، دولت هایی را دارند که اقدامات اندکی در این جهت انجام می دهند. ایجاد محیط های شهری که واقعا نیاز به بررسی و مطالعه دارند که گستره ای از موضوعات در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی است. بی شک برای دستیابی به اهداف شهرهای دوستدار کودک و محیط مورد نیاز و علاقه کودکان، نیاز به مشارکت آنها در ساخت و برنامه ریزی شهر می باشد و این امر نیازمند توجه بزرگسالان و مسئولان شهری به نقش کودکان است [25]. ولی آنچه در واقعیت با آن روبه رو هستیم این است که بسیاری از بزرگسالان با اینکه خود متفاوت را حامی کودکان و نوجوانان می دانند، دیدگاهی نسبتا نسبت به آنها در شهر دارند که موجب کمرنگ شدن نقش کودکان در شهر می شود. به طور مثال ممکن است آنها کودکی را دوران حساسی بدانند که کودک را باید از مسائل بزرگسالان دور نگاه دارند یا ممکن است مشارکت آنها را یک حس خوب ولی با ارزش اندک بدانند. مهمترین فواید مشارکت کودکان و نوجوانان در توسعه محیط ساخته شده عبارتند از؛

- ۱) تقویت استنباط و تصمیم گیری بزرگسالان؛ به عبارت دیگر تجربه کودکان و نوجوانان.
- ۲) برطرف کردن لزوم فرضیات بزرگسالان در مورد اینکه کودکان و نوجوانان چه کسانی هستند، چه نیازهایی دارند و خواسته های آنها چیست؟
- ۳) به رسمیت شناختن حق کودکان برای مشارکت در برنامه های توسعه جامعه به عنوان شهروندان جامعه خود [26].

ویژگی های شهر دوستدار کودک از منظر معماری و شهرسازی

-آسایش، ایمنی و امنیت

بخش مهمی از احساس امنیت که در دوران کودکی شکل گرفته و بر شخصیت بزرگسالی تأثیرگذار است، در فضا و محیط اطراف ایجاد شده و یا از آن تأثیر می پذیرد. کودکان بیشتر از سایر گروه های سنی نیازمند امنیت اند زیرا به دلیل ضعف خویش در اثر مواجهه با عوامل گوناگون احساس ناامنی می کنند. به عنوان مثال کودکان در مکان های وسیع و بزرگ شهری احساس گم شدن یا بیش از حد در معرض توجه بودن را دارند. آنها هم چنین با وارد شدن به فضاهای جدی دچار نوعی هراس می شوند. برای اجتناب از احساس ناامنی بایستی در طراحی فضاهای شهری از عناصر و فرم های آشنا استفاده کرده است. کودک در بین چیزهای جدید نیاز به اشیای آشنا دارد، به خصوص برای کودکان کوچک تر این به معنای رابطه ای با خانه آنها و در نتیجه احساس امنیت بیشتر می باشد. علاوه بر این با خرد و کوچک کردن عرصه های شهری می توان احساس امنیت را در کودکان تقویت کرد. همگام با طراحی محیط های شهری امن، توجه به مسئله ایمنی نیز بسیار حائز اهمیت است. حفاظت کودک در برابر خطرات طبیعی، شهری و اجتماعی به دلیل آسیب پذیری بیشتر او، اصل مهمی است که هر طراح شهری می بایست در نظر گیرد [27].

- پیوند با طبیعت

یک شهر خوب به طبیعت و عناصر آن احترام گذاشته و از آن ها استفاده می کند. در حقیقت فضای شهری باید طبیعت را به داخل شهرها بکشاند. کودکان باید با تمام پدیده های طبیعت مانند آب، گیاه و درخت، حیوانات و پرندگان و حتی حشرات در ارتباط باشند تا از این طریق بیاموزند و به طبیعت عشق بورزند. به عنوان مثال همه کودکان از حضور آب لذت می برند به ویژه هنگامی که اجازه داشته باشند که به آب دست بزنند یا در آن بازی کنند. بنابراین هرگونه آب طبیعی موجود در سایت باید حفظ شود و طراحی با احترام به آن و حول محور آن انجام گیرد. اکوسیستم های وابسته به آب منابع با ارزشی برای یادگیری کودکان پیرامون طبیعت می باشند. علاوه بر این پوشش گیاهی نیز یکی از عوامل بسیار تاثیرگذار در طراحی است. گیاهان کیفیت هوا را بالا می برند، بصورت ترکیبی با آلاچیق ها یا به تنهایی در برابر باد و باران نقش محافظتی دارند و موجب کاهش آلودگی صوتی می شوند. درختان و گیاهان می توانند منظر و دید را نظم ببخشند و در چارچوب درآورند. بعلاوه گیاهان محل زندگی انواع پرندها، حشرات و حیوانات کوچک اند. بنابراین هر گونه پوشش گیاهی موجود در سایت باید حفظ شود. نقش آموزشی گیاهان را نیز نمی توان نادیده گرفت. یک کودک با مشاهده یک درخت خزان پذیر، اولین اطلاعاتش را در زمینه چرخه زندگی و فصول به دست می آورد [28].

- پیوند با تاریخ، فرهنگ و هویت جمعی

هنگامی که یک کودک در شهر رم متولد می شود، در لحظه تولد با تاریخی سه هزار ساله پیوند می خورد اما یک کودک تهرانی با حضور در شهری بی هویت و بی نشانه، با تاریخ روبه رو نمی شود و دلیل این مسئله هم بی توجهی به عناصر بصری انتقال دهنده مفاهیم در شهر است. علاوه بر این هیچ فضای شهری به احیای آداب، رسوم و سنن جامعه اختصاص ندارد. رویدادهایی همچون شعرخوانی ها، پانتومیم ها، خیمه شب بازی ها و بازی های توام با موسیقی در شهر این امکان را برای کودکان فراهم می کند تا در یک تجربه مشترک با خانواده هایشان و افراد غریبه خوشی را تجربه کنند و همزمان با فرهنگ و هویت خود آشنا شوند [29].

- جذابیت و تازگی

کودکان به تناسب روحیات کودکی، بیش از هر چیز خواستار تنوع و تازگی اند. استفاده از رنگ ها و بافت های مختلف در خیابان ها می تواند بر جذابیت شهر بیفزاید. در حقیقت سرزندگی یک شهر در گرو شادابی خیابان های آن است. هنگامی که خیابان های شهر زیبا و جالب باشند آن شهر سرزنده خواهند شد. شاید یکی از موجزترین عباراتی که در وصف اهمیت جذابیت خیابان ها و منظر شهری و ارائه شده است گفته جین جیکوبز باشد؛ او می گوید: «به شهر می اندیشند و چه چیز به خاطر خواهد آمد؟ خیابان های آن!». نکته دیگری که شهر را می تواند علاوه بر جذاب تر شدن برای کودکان، خاطره انگیز کند، استفاده از هنرهای تجسمی است. این گونه هنرها با ایجاد تصویری به یاد ماندنی از خود در ذهن بیننده به خاطر انگیز کردن شهر کمک می کنند. علاوه بر این حضور هنرهای تجسمی در فضای شهری سبب می شود نه تنها فضای شهر با تمام آسفتگی هایش برای رهگذران لطیف تر شود، بلکه عرصه بسیار مناسبی برای ورود هنر به شهر است؛ ایده های که سالهاست بسیاری از کلانشهرهای دنیا استفاده از آن را آغاز کرده اند [30].

- خوانایی

یکی از موارد بسیار با اهمیت در فضای شهری اجتناب از حس گمگستگی و در نتیجه ناامنی برای همه شهروندان بالاخص کودکان است. با توجه به عدم توانایی کودکان در خواندن تابلوهای اطلاع رسانی و علائم گرافیکی موجود، طراحان منظر شهری بایستی به دنبال راه های دیگری برای ایجاد خوانایی در سطح شهر باشند. استفاده از علائم گرافیکی و بصری ساده و آشنا برای کودک، یکی از نکاتی است که می تواند مورد توجه قرار گیرد. نورپردازی مناسب در شب از نکات دیگری است که عناصر سازمان فضایی و نشانه ها را برجسته ساخته و شهر را در شب خوانا می سازد و نیز از ترس کودکان برای حضور در شهر در شب می کاهد [31].

- دسترسی به امکانات

بسیاری از امکانات در فضای شهری تنها بر اساس مقیاس بزرگ سالان ساخته شده است. حتی در پارک ها که یکی از مهم ترین فضاها برای حضور کودکان به شمار می روند نیمکت ها، آبخوری ها و سایر وسایل اندازه هایی بی توجه به ابعاد یک کودک را دارا

می‌باشند. این مساله باعث می‌شود تا کودک علاوه بر ناتوانی در استفاده از امکانات، احساس کند که شهر و فضاهایش به او تعلق نداشته و آرزوی گذار هر چه سریع‌تر از این مقطع شورانگیز را نماید [30].

- وجود موسسات و فضاهای مرتبط با کودک

نکته حائز اهمیت دیگر وجود مؤسسات مرتبط با کودک در شهر است. به عنوان نمونه، ما هنوز در هیچ‌یک از شهرهایمان "خانه اسباب بازی" نداریم. این مرکز مهم که معمولاً در یک شهر دوستدار کودک باید وجود داشته باشد، جایی است که در آن، بچه‌هایی که در خانه‌های کوچک فضای کافی برای بازی ندارند می‌توانند بیایند و به صورت رایگان از امکانات این فضا برای بازی و تفریح استفاده کنند. فضای دیگری که در شهرهای ایران دیده نمی‌شود، "پارک موضوعی" است که باید جنبه آموزشی داشته باشد. علاوه بر این در شهرهای دوستدار کودک، مراکز دیگری مانند "فرهنگسرای کودک" و "موزه کودک" نیز مورد توجه قرار داد و هدف از تأسیس چنین مراکزی، این است کودکان و نوجوانان با شرایط مختلف زندگی در دوره‌های گوناگون و فضاهای جغرافیایی مختلف آشنا شوند. در این مراکز آموزش‌های مختلف در حوزه‌های متفاوت به کودکان ارائه شده و بدین ترتیب، هوش، خلاقیت و حس کاوش‌گری آنها سنجش و تقویت می‌شود. این در حالی است که عموماً وقتی مسئولان محلی فضاهای بازی را به وجود می‌آورند آن‌ها را به صورت سنتی و با تجهیزات ثابت اجرا می‌کنند [32].

- توجه به کودکان معلول

اگرچه درصد کمی از کودکان از کم توانی رنج می‌برند اما توجه به نیازهای آنان در مسائل طراحی شهری از ضروریات به شمار می‌رود. در همین راستا طراحی معابر باید بگونه‌ای باشد که مانعی بر سر راه کودکان وجود نداشته باشد. ایجاد فضاهایی که هم برای کودکان عادی و هم برای کودکان معلول قابل استفاده باشد، موجب ارتباط بین کودکان و سرزندگی آنها می‌شود و احتمال منزوی شدن کودکان کم توان را در فضاهای عمومی به حداقل می‌رساند. در نظر گرفتن رمپ‌هایی با شیب بسیار ملایم در همه فضاها حتی زمین‌های بازی و تعبیه نرده در مکان‌های مختلف، از بهترین و ساده‌ترین راه حل‌های ممکن است [33].

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نتایج پژوهش حاکی از آن که، شهر دوستدار کودک یک دنیای بی‌همتا است که نیاز به تلاش در چهار سطح فرهنگی و اجتماعی، معماری و شهرسازی، حقوق و سلامت دارد، پاسخی جدید و جامع در زمینه تعامل محیط شهری و کودک است که حضور فعال و مشارکت کودک را اصل قرار می‌دهد. یک مکان دوستدار کودک محیطی است که کشف و تحقق‌یابی قابلیت مکان‌ها را برای انواع فعالیت و تعاملات اجتماعی کودک مقدور سازد، زمینه ساز ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری از محیط، شکل دادن به ویژگی‌های فیزیکی مکان به واسطه تقویت مشارکت کودکان گردد، به کودک، امکان خلق و کنترل قلمروهایی دهد و اسرار و رازهای کودکان را در این مکان‌ها در خود حفظ کند.

راهبرد های زیر که بر مبنای یافته‌های پژوهش به دست آمده اند تصویری کلی از اقدامات مورد نیاز مناسب سازی فضاهای شهری، مبتنی بر رویکرد دوستدار کودک را به قرار زیر ارائه می‌نماییم:

- حضورپذیری: ایمنی، امنیت روانی، امکان حضور هر دو جنسیت دختر و پسر، وجود مکان‌های مورد نیاز کودکان (پارک، زمین بازی، کلوپ، مجتمع ورزشی، فضای سبز، مدرسه و...) روشنایی کافی، تنوع در فعالیت‌ها، نورپردازی فضاها، وجود عناصر مورد علاقه کودکان از جمله آب، وجود مناطق امن خانگی، وجود فضاهایی برای کشف خلاقیت‌ها.
- دسترسی و نفوذپذیری: ایمنی دسترسی، مسیرهای امن به کاربری‌های کودک، تفکیک مسیر سواره، پیاده و دوچرخه، مسیرهای پیوسته پیاده و دوچرخه.
- هویت: اسامی کودکانه خیابان‌ها، شاخص بودن کاربری‌های مرتبط با کودکان، محدودیت در ارتفاع ساختمانها، فضاهای با قابلیت بازی‌های جمعی، نشانه‌ها و علائم قابل تعبیر برای کودکان، استفاده از رنگ و طبیعت در فضاهای محله.
- خوانایی: تنوع در مصالح و رنگ کف پوش‌ها، تنوع در مصالح و رنگ نمای ساختمانها، استفاده از علائم و نشانه‌ها بمنظور تسهیل جهت‌یابی، تداوم مسیرها.

- مشارکت: ورود کودکان به فرآیند طراحی و مناسب سازی، نظر سنجی از کودکان، درخواست همکاری از کودکان برای اجرای طرح.
اختلاط کاربری‌ها و فعالیت‌ها: ایجاد فعالیت های گذران اوقات فراغت بعد از ساعات کار در مکان‌هایی که بی استفاده مانده اند، خودداری از ایجاد فضاهای باز و بزرگ شهری بدون در نظر بخشی از آن در جهت کمک به زنده کردن فضای خیابان، ایجاد پهنه های تجاری- مسکونی گرفتن اقدامات امنیتی کامل، تداخل پارک با فضا های تجاری، برونگرا شدن فضاهای تجاری یا مختلط، تلفیق کاربری‌های عمومی و خصوصی؛

منابع و مراجع

- [۱] رستگار، الف، بونفانتینی، ب، ۱۳۹۴، تدوین راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۴، پاییز ۹۵، صص ۶۵-۹۰.
- [۲] واشقانی فراهانی، ح. ر، ۱۳۹۴، حلقه های مفقوده شهر دوستدار کودک، روزنامه شهروند، سال سوم، شماره ۶۹۲.
- [۳] گلستانی، ن، همکاران، ۱۳۹۴، بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودکان در طراحی برنامه ریزی شهر ها با تاکید بر روانشناسی محیط کودکان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۴، پاییز ۹۵، صص ۲۷۸-۲۵۳.
- [۴] حسینی غیاثوند، الف، سهیلی، ج، ۱۳۹۳، بررسی ویژگی های شهر دوست داشتنی از نگاه کودک(نمونه موردی: شهر قزوین)، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۲، صص ۶۸-۶۰.
- [۵] رحیمی، ع، شاهرخیان، ع. ر، ۱۳۹۳، ارزیابی فضاهای شهری دوستدار کودک و نقش آن در احیاء بافت قدیم شیراز، فصلنامه مدیریت شهری نوین، شماره ۶، پاییز ۹۳، صص ۱۴۴-۱۱۴.
- [۶] متینی، م، همکاران، ۱۳۹۳، معیارهای طراحی محلات مبتنی بر رویکرد شهر دوستدار کودک(نمونه موردی: شهر مشهد)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- [۷] رزمی، ح. ر، ۱۳۹۶، درآمدی بر مناسب سازی مولفه های شهر دوستدار کودک (C.F.C)، رهیافتی در راستای رسیدن به شهر ایده آل کودک، فصلنامه نماد گلستان، پیاپی ۴۰، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان، تابستان ۱۳۹۶.
- [8] Rismanchian, O. Rismanchian, A. (2007). Children participation in planning processes:the case of Child Friendly City project in post-earthquake Bam, Iran, Urban design International, 12: 43-154.
- [9] Howard, A. (2006). What Constitutes Child Friendly Communities and How are They Built?. Report Prepared for the Australian Research Alliance for Children and Youth (ARACY), Perth.
- [10] Frank, Kathryn I. (2006). "The Potential of Youth-Participation in Planning." Journal of Planning Lit
- [۱۱] رجیبی، ژ، حاجی قاسمی، ف، ۱۳۹۲، منظر شهری دوستدار کودک، رویکرد منظرین در محیط شهر، مجله منظر، ۵(۲۵)، صص ۲۰-۲۳.
- [۱۲] رفیعی، الف. ر، بهتاش، م. ر، ۱۳۹۲، بررسی وضعیت مناسب سازی فضاهای شهری برای کودکان، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، صص ۲۹-۳۳.
- [۱۳] آزموده، م، ۱۳۹۱، معماری و طراحی برای کودکان، نشر علم و دانش، چاپ اول، تهران.
- [14] Dierkx, R. (2005). Child-Friendly and sustainable programming and design of new cities within context of community:The case of Bam, Iran, International conference of new towns, Tehran, Iran.
- [۱۵] قره بیگلو، م، ۱۳۹۱، نقش عوامل محیطی در پرورش خلاقیت کودکان، فصلنامه منظر، شماره ۱۹، صص ۸۶ تا ۹۱.
- [۱۶] اسماعیل زاده کواکی، ع، ۱۳۹۰، بررسی و تحلیل شاخص های شهر دوستدار کودک. مطالعه موردی قوچان. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری. زابل: دانشگاه زابل.
- [۱۷] منصور، الف، قره بیگلو، م، ۱۳۹۰، کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶۳-۷۲: در تعامل با کودکان. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶: ۶۳-۷۲.
- [18] Lotta, Haikkola, et.al, (2005), Interpretations of Urban Child-Friendliness: A Comparative Study of Two Neighborhoods in Helsinki and Rome, Children, Youth and Environments 22(4).

- [۱۹] کاشانی جو، خ، همکاران، ۱۳۹۰، بررسی معیار های طراحی مطلوب فضاهای شهری برای کودکان (نمونه موردی: محله نظامیه تهران)، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۳۹-۲۴۹.
- [۲۰] زینالی، الف. ح، ۱۳۸۹، جهانی شدن اصل حمایت ویژه از کودکان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۸۷-۵۱.
- [۲۱] کامل نیا، ح، حقیر، س، ۱۳۸۸، الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک (نمونه موردی: شهر دوستدار کودک بم)، فصلنامه باغ نظر ۶ (۱۲): ۷۷-۸۸.
- [۲۲] دریسکل، دیوید. ۱۳۸۷، ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان. ترجمه: مهرنوش توکلی، نوید سعیدی رضوانی، تهران: نشر دیباچه.
- [۲۳] رستگار امیر، ۱۳۸۷، راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک، نمونه موردی ارتقاء کیفیت بسترهای فضایی واحدهای همسایگی تا مدرسه برای کودکان ۷ تا ۱۲ سال، ۱۳۸۷، پایان نامه دانشگاه شهید بهشتی.
- [24] Kaplan, P. S. (2003). Psychology of growth: the adventurous journey of child. Translated from the English by Firouzbakht M. Tehran Rasa press.
- [25] UNICEF. (2002). Poverty and exclusion among urban children, Unicef innocenti research centre, Florence. forthcoming. P. 24.
- [۲۶] شفایی، م، ۱۳۸۷، اصول طراحی فضاهای آموزشی کودکان ۳ تا ۶ ساله با رویکرد ارتقاء خلاقیت آنان در ایران. پایان نامه دکتری معماری. دانشگاه علم و صنعت: دانشکده معماری و شهرسازی
- [۲۷] سعیدی رضوانی، ن، حبیبی، ف، ۱۳۸۷، شهر دوستدار کودک، مجموعه سخنرانی های جامعه مهندسان شهرساز، تهران.
- [۲۸] آقا لطیفی، الف، ۱۳۸۷، مناسب سازی محیط برای خلاقیت کودکان، مجموعه مقالات کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، تهران: پژوهشکده علوم خلاقیت شناسی.
- [۲۹] مظفر، ف، حسینی، ب، باقری، م، عظمتی، ح. ر، ۱۳۸۶، نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان، فصلنامه باغ نظر، سال چهارم، شماره هشتم، صص ۵۹-۷۲.
- [30] Riggio, E. (2002). Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child. Journal of Environment&Urbanization. 14 (2): 45-58.
- [۳۱] شیعیه، الف، ۱۳۸۶، آماده سازی شهر برای کودکان، سازمان فرهنگی هنری شهرداری ، موسسه نشر شهر، تهران.
- [۳۲] قنبریان، م، ۱۳۸۳، کودک و شهرنشینی، انتشارات سازمان شهرداری ها، تهران.
- [33] Jones, Owain (2002); Naturally Not: Childhood ,the urban and Romanticism; Journal of Human Ecology Review; Vol:9 No:2; 17-30.